

۱۹

شادمانی

لکهنو: شمارہ نمبر ۱۹، ستمبر ۲۰۱۳ء

پتھر عمر اور شکر و سحر

در این شماره

۱. سخن آغازین
۲. پیام انجمن ...
۳. ملک رکن الدین کورت
۴. پیام بہار یا ...
۵. شاخص های سلاطین ...
۶. زنبور عسل
۷. حریم خیال
۸. داستان شطرنج
۹. علم و اسلام
۱۰. استاد مشعل
۱۱. دنیای کودک
۱۲. افسردگی
۱۳. مدیریت



سازمان

۱۳۹۴

بہار فصل تکرار است نو شدن را باید آموخت



شنبانیه

تاریخی، فرهنگی، ادبی و هنری
سال دوم، شماره نهم، ماه حمل ۱۳۹۴

صاحب امتیاز: انجمن فرهنگی جهانداران غوری

مدیر مسئول: نثار احمد حبیبی غوری

تنظیم کننده و سردبیر: انجنیر محمد نظر حزین یار

هیئت تحریر: سید محمد رفیق نادم، استاد شاه محمود محمود، دکتور محمدعابد حیدری، مولانا شرف الدین اعتصام، استاد محمد رسول فایق، استاد عبدالشکور دھزاد، نیک محمد مستمند غوری، عایشہ عنقا نیازی غوری و گل آقا رامش

صفحه آرایہ: محمد قسیم حزین یار

شماره های تماس: حبیبی: ۰۷۹۹۰۲۵۲۹۹ - حزین یار: ۰۷۹۹۲۳۷۵۷۹ - نادم: ۰۷۹۹۳۴۸۳۹۶

ایمیل: hazinyar.gjcf@gmail.com

آدرس: انجمن فرهنگی جهانداران غوری، حوزہ غرب، شہر ہرات، گردہ پارک ترقی، سالون فانوس دریا، طبقہ چہارم.

چاپ: ستارہ نقرہ ای - کوچہ گدام ۰۴۰۲۳۲۳۱۰

مدیر مسئول درویرایش مطالب دست باز دارد.
بدون از سرمقالہ، نوشتہ ما و مطالب دیگر صرفاً نظر نویسنده بوده و نشریہ شنبانیه در این خصوص مسؤلیتی ندارد.

سخنرانی

فصل طراوت

بهار فصل زیبای خداست، فصلی که به تمام زنده جانها حیات دوباره می بخشد، نطفه نبات از زیر توده های خاک را می روپاند و در دل صخره ها گلهای رنگارنگ را زینت می بخشد، در این فصل است که انسانها بخصوص طبقه دهقان و باغدار به کشت و کار پرداخته، دامنه نهال شانی را در مزارع و باغات شان توسعه می بخشند.

چه خوب است از مزایای بهار استفاده مزید برد و به سرسبزی کشورمان دست یازید، کشوری که سالها داغ جنگ را دیده، تخریب گردیده است و طبیعت زیبا و معجزه آسایش به یک ویرانه مبدل شده است، چقدر فرح بخش است که هر انسان نهالی را به علامت سبزینه گی کشورش در دل این خاک غرس نماید.

جنگلات که تصفیه کننده ی هوا از گرد و غبار است، باید حفظ گردیده و انکشاف یابد، زمانی ما می توانیم به صحت کامل دست یابیم که محیط سالم داشته باشیم و محیط سالم وابسته به نظافت و سرسبزی است، دانشمندان می گویند حداقل یک گلدانی در محیط زیست انسانی هوای تازه به همان محیط می بخشد، پس غرس یک نهال مثمر یا غیر مثمر و زینتی می تواند قسمتی از نیاز های انسان را که هوای پاک است رفع سازد.

به همین قسم زراعت هم در موسم بهار می تواند زمین ها را از خشکی و فرسایش نجات دهد، بهر منوالیکه هست نباید اراضی ما از زرع باز ماند این کار فواید زیادی را در بر دارد از جمله یکی برداشت حاصل و رفع نیازمندی های غذایی و دیگری خود کفا شدن است چیزیکه دیگر ما را مجبور نمی کند به کمک های بیرونی با هزار هافلسفه ی وابستگی، چشم بدوزیم. چنانچه سال روان وریش باران های مناسب، سالی فرحبخش و سبز را نوید میدهد، نباید از فیوضات این سال خود را بی بهره ساخته دست زیر الاشه برای وصول کمک های دیگران باشیم.

خداوند(ج) در قرآکریم میفرماید : ترجمه: آیا آن زراعت را که بذر می کنید رویانیدن آنرا ما میکنیم یا شما؟ اگر ما بخواهیم کشت و زرع شما را خشک و تباه سازیم با سخنان بیهوده و حسرت به ندامت می پردازید. بلی؛ انسان باید تمام انرژی را به کاری مصرف نماید که منافع عامه در آن مضمّن باشد، هرگاه خود به نفع شخصی و به ضرر دیگران قدعلم گردد، همانست که آیت شریف تحقق می یابد. در این آیت خداوند از مخالفین می پرسد که اگر آن بذر به قدرت خداوند نروید آیا شما این توان را دارید که از آن منفعت جویید ؟

و نیز قرآن کسانیکه زراعت را نابود میسازند و به آن خساره وارد میکنند چنین افراد را مفسدین فی الارض عنوان میکند.

در حدیث شریف آمده است:

ترجمه: هر مسلمانی که نهال را غرس و بذری را زرع کند سپس از آن پرند، انسان و حیوانی بخورد برای کشت کننده و نهال غرس کننده خداوند به عنوان صدقه اجر و پاداش میدهد.

این حدیث مبارک در جهت ترغیب و تشویق نمودن برای ترویج زراعت نقش عمده را بازی می کند .



پیام رهبری انجمن فرهنگی جهانداران غوری بمناسبت آغاز سال نو ۱۳۹۴

هموطنان متدین و با عزت افغانستان!

سپاس خدای را که مرده را زنده و زنده را به شامخ ترین قتل زندگی می رساند، شکر گذاریم آن ذات یگانه را که از دل خاک برای تمام زنده جانها روزی عطا میفرماید.

بلی؛ به استقبال سال نو درحالی می رویم که ریزش برف و باران های موسومی با تأسف عده ی از هموطنان ما را به کام نیستی کشاند اما برای دیگران روزنه امید را گشود که با زحمت و پشت کار می توانند حاصلات زیادی را کمايي نموده، روزی حلال از ثمره زحمات شان بردارند و به قول شاعر:

در دل خاک سیه سیم و زراست خاصه خاک ما که یکسر گوهر است
هر که قلب خاک را بشکافتی درمیانش ناز و نعمت یافتی

انجمن فرهنگی جهانداران غوری ضمن این که از حلول سال نو ۱۳۹۴ با خوشحالی استقبال می نماید، برای فرد فرد هموطنان گرامی سالِ پراز مهر و محبت، صلح و امنیت حاصلات و برکت از خداوند عزوجل مسئلت دارد.

سال نو، آرزوهای نو و سعادت های مزید به شما
هموطنان متدین و زحمتکش ما مبارک!





ملک رکن الدین کرت (شمس الدین کهین)

مدیریت ماهنامه

افتاده، بنای مفسدیت و غیبت رکن الدین (شمس الدین کهین) را نمودید، آنها استدلال میکردند که تازیک (تاجیک) را چه حدآن باشد که امیری را مقید ساخته بفرستد؟ در نتیجه غمز آنها به ارغون شاه تأثیر بخشیده، او را بر علیه شمس الدین کهین انحراف مزاج پیدا شد.

همچنانکه ابا قآخان را بر ملک شمس الدین محمد کرت بد بین نموده بودند، همان شیوه شوم را پیشه ساختند، چون این سقایت و غمازی آنها به ملک شمس الدین کهین رسید، با خود چنین فیصله کرد که ابدآ از حصار خیسار بیرون نگرده و بدیگر بلاد و دیار نرود و جلال الدین پسر خود را نیز از هرات طلب داشت. در این اثنا غازان خان بر سریر حکومت نشست و امیر نوروز بیک که از کشک هرات بود و بدولت او استیلا داشت مکتوبی به ملک شمس الدین نوشته، در باب توجه او بجانب هرات مبالغه و الحاح تمام نمود ملک شمس الدین که اسم اصلی او ملک رکن الدین است، در جواب شرحی را تحریر داشته که مختصر آن اینست:

بنده تصمیم قطعی گرفتم که بعد از این از امورات مهم ملک داری دست کشیده در امورات عبادت خداجویی اشتغال ورزم، زیرا طلب لذات فانی و عزت عاریتی و دولت پنج روزه را وفای نیست، آبا و اجداد من از حکومت و ملک داری چه منفعت دیدند، پدر مرحومم در اثر غمز سقایت غمازان شهادت یافت، بنده در اثر امر شهزاده ارغون خان پند نوینی را گرفتم و بدین واسطه حساد برخواسته بنای غمز و غیبت را گذاشتند، مزاج شاه را بر علیه من منحرف نمودند، توقع آنست که این محب را از آمدن در هرات و حکومت آندیار معذور دارند.

پس از آن تاریخ ملک شمس الدین کهین در عزم خود استقامت کرد، پای در دامن عافیت استقامت و فراغت کشیده، بجز درگاه الله در هیچ درگاه نرفت، تا برحمت ایزدی پیوست.

اعمار مجدد هرات مانند نیاکانش همت گمارد و مردم را که در بیچارگی و بی سرنوشتی بسر می برند، در تمام عرصه همکاری و مدد نماید.

بهمین منوال رکن الدین که در هرات استقرار یافت در اندک زمان ولایت هرات را کمافی السابق آباد و مأمور نمود (۶۸۰ هجری شمسی) به جانب غور مقسط الراس خود رفت، حصار خیسار (خونسار) را که مقام آبا و اجدادش بوده و بعضی ویرانی ها پیدا کرده بود، ترمیم و تعمیر نمود، رعایا را به زراعت، فلاحت و عمارت ترغیب و تحریص کرد، حصون و قلاع غور را به کوتوالان مبارز و لایق سپرده و خودش برای فتح قندهار در آن دیار رفت، قندهار را در ظرف چهار روز فتح نمود، سپس عازم غور گردید، بعد از چندی ابا قآن فوت کرد، ملک رکن الدین بنام ملک شمس الدین کهین شهرت داشت، پس از فوت ابا قآن جلال الدین پسر خویش را به نیابتش در هرات فرستاد و خود در حصار خیسار (خونسار) مقیم گردیده، درین اوقات ارغون خان پسر ابا قآن به تخت پدر نشسته بود، یکی از امرای ارغون خان از وی سرباز زده در خیسار رفت، ملک شمس الدین کهین او را گرفته در نزد ارغون خان فرستاد.

این عمل شمس الدین کهین بدان مناسبت بود که هرگاه آن شخص را به ارغون نمی فرستاد، ارغون خان مانند نیکانش که بخون ریزی و ویرانی علاقه مفرطی داشت برای مردم غور و هرات آسیب های بی مانندی میرساند، لهذا ملک شمس الدین نخواست به خاطر یک نفر هزار ها انسان بیگناه را به کشتار گاه های ازغون خان بسپارد. این یکی دیگر از تدبیر و درایت شمس الدین کهین بود که در برابر مردمش داشت و اجازه نمیداد دیگر حادثات قبلی که چنگیز و نوادگانش بالای مردم خراسان آورده بودند تکرار گردد.

اما بد بختانه دیگر امرای ارغون خان که سبب بشهادت رسانیدن شمس الدین محمد کرت بدست ابا قآن گردیده بودند، باز در عراق بحسادت

بعد از آنکه ملک شمس الدین محمد کرت بدست گماشتگان ابا قآن نواده چنگیز در حمام بادادن تربوز زهر آگین بشهادت رسید، در غیابت آن مرد مدبر و مدنیت مدار شهر هرات روبه ویرانی رفت اعمال و گماشتگان چنگیزی در تبانی با خود فروشان داخلی در تخریب بنا ها، جاده ها، آبدیه های تاریخی، باغها و پارکها دست بازی غمازان داخلی از خود نشان داده و هرات را بیک توده ی از خاک مبدل نمودند.

در این میان در (۶۷۷ هجری شمسی) شخص دیگری از همکاران ابا قآن به نام «تبشین آغل» گذرش به هرات افتاد و هرات را بصورت یک ویرانه یافت، در این میان اکابر و بزرگان هرات طی گردهمایی بیان داشتند که شمس الدین محمد کرت که در هرات خدمات شایسته و ارجمندی را انجام داده بود وفات و کنون این شهر بیک ویرانه مبدل شده، ایشان خواهان اعمار مجدد هرات شدند، تبشین آغل که این حالت را مشاهده نموده، از اعماق دل بر هرات افسوس برد و پرسید آیا از اولاد ملک شمس الدین کسی است که سمت رهبری هرات را بدو سپارد؟

همه گفتند که رکن الدین پسر شمس الدین در عراق نظر بند منکوقآخان است، او مانند پدر از درایت و مدیریت خوبی برخوردار است و در این وقت منکوقآخان هم در سرحدات خراسان رسیده بود، تبشین آغل که نزد منکوقآخان از حرمت خاصی برخوردار بود، فوراً موضوع را به منکوقآخان عرض نموده خواهش آزادی رکن الدین محمد و گزینش آنرا در حکومت هرات نمود، منکوقآخان خواهش تبشین آغل را پذیرفت و ایلجی هایش را به عراق فرستاد تا رکن الدین محمد را با عزت به هرات آوردند.

منکو قآن رکن الدین محمد را نوازش کرد و بنام شمس الدین محمد کهین خطابش نموده، طبل علم، منشور و خلعت فاخره بر او بخشید و جانب غور و هراتش فرستاد و از او خواست تا در مرمت و

پیام بهار یا درس خدا شناسی



مولانا اعتصام

به عقیده فیثاغورث و هم نظرانش یک دوره کامل حرکت آفتاب در مدارش روی منطقه البروج و یا بعقیده کپرنیک لهستانی مؤسس هیئت جدید یکدوره کامل حرکت زمین بدور آفتاب یک سال است، که بدوازده برج تقسیم شده و هر سه برج یک فصل و سال به چهار فصل درجه بندی شده است، خوش منظرترین فصل سال و زیباترین فصل آن بهار است، درین فصل قوای نامیه زمین به حد کمال تهییج می شود، اثرات حیات بخش نور آفتاب بزمین قوه می دهد و زش نسیم بهاری لطافت هوا، حیات تازه بدوش می کشد و به هر چیز روح تازه و می بخشد .

در زمین دوباره به امر حق تعالی زنده می شود و رشد می کنند آن صناعی که مواد مرده زمین را به نبات تبدیل می کند و باز نبات را می خشکاند و می میراند و به خاک تبدیل می کند و باز زنده می نماید بدون شک و شبهه قادر است تا انسان را از مواد مرده زمین زنده گرداند .

چنانچه قرآن تصریح می کند که انسان از خاک زمین آفریده شده است مواد خاکی بصورت غذا وارد بدن انسان شده و به صورت نطفه و تخمک مرد زن در می آید و بعد از طی مراحل معلوم؛ انسان آفریده می شود و همین انسان می میرد و دوباره زنده می شود آنانیکه در زندگی بعد مرگ شک دارند و یا انکار می کنند اگر به تحقیق در مسئله پیدایش انسان از دوران نطفه تا اینکه انسان می شود و در موادیکه در ساختمان انسان بکار می رود و این مواد مرده زنده می شوند به واقعیت یقین می کند که قیامت حق است و زنده شدن بعد از مرگ کاملاً عقلی و علمی است.

اکنون میبینیم قرآن چه می گوید: **قَالَ مِّنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ** ترجمه: گفت یعنی انسان کافر چه کسی زنده می گرداند استخوان را در حالیکه پوسیده است بگو کسیکه اول بار او را زنده گردانید دوباره او را زنده می گرداند.

کسی که قادر است که مواد مرده زمین را حیات بخشد پس

غنچه های زیبا بر شاخسارها بلخند میزنند، نرگس با چشم نیمه خمارش و بنفشه بابوی عطر آگین برزیبای گلستان می افزایشد، زمین فرش زمردین می گستراند، باغ و بوستان و مرغزار و گلستان رنگ و بوی دیگر به خود میگیرند، جوشش چشمه سار و شرشر آبشار بوی نسیم بهار نوای بلبلان و پرندگان بر شاخسار روح های افسرده و اجسام پژمرده را قوه زیستن و اندیشه آموختن می دهد، سرو با قامت رسایش بر لب جویبار با طراوت خاص جلوه می کند، باد لطیف بهار دردشت و دامن و کوه و صحرا هر چیزی را می نوازد، سبزه در سبزه زارها در برابر حرکت نسیم ربیعی می خمد و راست می شود، گویا در برابر صانع بیچون بر کوع و سجده می افتد، از چوب ارغوان گل می روید، برفرق هر شاخه گلی چون کلاه زرین با جلوه زیبا حرکت جلب توجه می کنند، قوای طبیعت بعد از مرگ دوباره زنده می شود و در بهار رشد می کند و در تابستان به حد کمال رشد می رسد و در تیر ماه افسرده و در زمستان می میرد.

و در بهار دوباره زنده می شود فصل بهار منظره زیبا و مظهر قدرت کامله و علم لایتناهی خدا و نمونه بارزی از قیامت و زندگی بعد از مرگ است، در فصل زمستان نبات می میرد حیات را از دست میدهد و در فصل بهار حیات دوباره می یابد و همان مواد ودیعت نهاده شده





اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

بدانید که خدا زمین را پس از مردنش زنده می‌کند ما آیات را برایتان به روشنی بیان کردیم، باشد که به عقل درماید.

Know that Allah gives life to the earth after its death : indeed,
We have made the communications clear to you that you may understand.

سوره الحديد آیه ۱۷

دلیل وبرهان بروجود خدا وحقانیت قیامت ذکر می کند خواننده گان گرمی بهار فرارسید، بهار درس یکتا پرستی است بار دیگر زنده شدن بعد از مرگ را به چشم های خود مشاهده می کنید، بهار فصل اول سال است که شامل سه برج حمل ثور وجوزا می باشد.

روز اول حمل نوروز است (سال نومی شود) که برخی از مردم در بعضی مناطق نوروز را عید می دانند ولباس می خردند وبنام عید نوروز دید بازدید می کنند وبعضی رسوم جاهلی انجام می دهند این رسوم همه بدعت و خلاف شرع اسلامی بوده ، در کتب اسلامی از آن بمثابه روز خاصی ذکرنگردیده، از نظر اسلام عید شمرده نمی شود، در اسلام دوعید مشروعیت دارد عید فطر که با گذشت رمضان در روز اول ماه شوال برگزار می گردد وعید اضحی که درروز دهم ماه ذی الحجه تجلیل می شود.

غیر از این دوعید ،عید دیگری برای مسلمانان وجود ندارد فقط روز جمعه از دیدگاه اسلام روز متبرک می باشد ودر آن روز نماز جمعه برگزار گردیده ملیون ها انسان مسلمان در کشور های اسلامی با برگزاری نماز پرشکوه جمعه این روز را تجلیل می کنند زنده سخن اینکه نوروز نه تنها عید نیست بلکه از روز های دیگر هیچ برتری ندارد فقط ویژه گی فصل بهار آن چیزی است که تذکر داده شد امید است رسیدن بهار طبیعت درس خدا شناسی برای همه انسانها خصوصا انسانهای متفکر باشد.

از مرگ دوباره می تواند زنده بگرداند فصل ربیع همان طوریکه به زمین شادابی و طراوت می بخشد نمونه از بعثت بعد از مرگ است قرآن این اندیشه را تایید می کند و آیه : **وَآيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيِّتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ**. ترجمه : نشانه بزرگ برای آنها اینست که زمین مرده را زنده می گرداند واز آن دانه بیرون می آورد که از آن می خورید. فصل بهار برای کسانیکه ظواهر را می بینند وادراک شان منحصر به هواس مادی ومحسوسات است فقط زیبایی ها ظاهری بهار را می بینند واز درک حقیقت وکلک قدرت که این عالم زیارا باهمه زیبایی هایش آفریده است عاجز اند، مانند کودک که هنوز حقایق را نمی داند وبه یک تابلو نقاشی شده نظر می کند فقط خط ها رنگ های مختلف را می بیند واز نقاش وسازنده آن بی خبر است، اما کسانی که اهل دانش وتحقیق اند وبه هر چیز به دید حکیمانه می نگرند وبه عمق قضا یا تدبر وتفکر می کنند ودرهر چیز حکمت ودر هر قضیه فلسفه جستجو می کنند ودر پشت معلول علت را می بینند از بهار درس توحید وخداشناسی و رابطه مخلوق باخالق را درک می کنند، **كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمَيِّتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ** ترجمه: چگونه بخدا کفر می ورزید درحالیکه شما مرده بودید یعنی از مواد مرده زمین بودید سپس شمارازنده گردانید وبعد از آن شمارا میمیراند ودوباره زنده می گرداند وسپس به نزد خدا برای حساب برمی گردید . قرآن کریم کتاب حکمت ،علم وخداشناسی فصل بهار را نمونه آشکار از قدرت خدا می داند ودر آیات بسیار بهار را به عنوان

... شاخص های سلاطین غوری

سید محمد رفیق نادم

همانطوریکه در بحث های گذشته تذکر داده شد، در بار سلاطین غور از آغاز تا انجام همیشه مرکز تجمع علما، شعرا، دانشمندان رهبران طریقت و صاحبان فن و حرفه بوده که در عرصه امور دینی، ادبی، اموردنیوی و هنری از آنها استفاده صورت میگرفت روح سخن من اینجا در باره شعرا می باشد، که در رأس همه سلطان علاوالدین حسین بن حسن مؤسس امپراطوری غوری ها در زمان خود قرارداد داشت، وی شخص عالم، عادل، مدبر در امور سلطنتی بود، علاوه شاعر بلند پایه و پر آوازه بود، لازم پنداشته می شود تا ستاره گان درخشنده در فضای شعر و ادب از خود سلاطین گرفته و دیگر شعرا و ادیبان دوره ی غوری ها راتا جائیکه من شناسایی کردم به اسم و نموده شعر، تعداد دیگر از برجسته ترین آنها را معرفی نمایم:

۵- عروضی سمر قندی

اسمش ابوالحسن نظام الدین احمد بن عمر مشهور به نظامی عروضی سمر قندی، مدتی را به دربار سلطان علاالدین غوری بوده. و صاحب اثر مشهور (چهار مقاله) است که به نام ابوالحسن حسام الدین علی شهزاده غوری ابن فخرالدوله مسعود بن عزالدین حسین تألیف شده است و نام این کتاب ظاهراً (مجمع النوادر) می باشد. که مقالات آن عبارت است از:

مقاله اول: در ماهیت دبیری

مقاله دوم: در ماهیت علم و شعر

مقاله سوم: در علم بجوم

مقاله چهارم: به علو طبی اختصاص داده شده است

(مراجعه گردد به تاریخ مختصر غور از جناب مستمند غوری)

که جهانی زما در افغانند
وان دودر مروپیش سلطانند
هر یکی مفخر خراسانند
ورچه همچون خرد سخن دانند
هر دو از کار خود فرومانند

در جهان سه نظامی ایم ای شاه
من بورساده پیش تخت شهم
نه حقیقت که در سخن امروز
گرچه همچون روان سخن گویند
من شرابم که چون شان در یابم

ورساده قریه یا قلعه بوداز مربوطات ولسوالی تیوره که پایتخت سلطان علاالدین حسین بوده است.

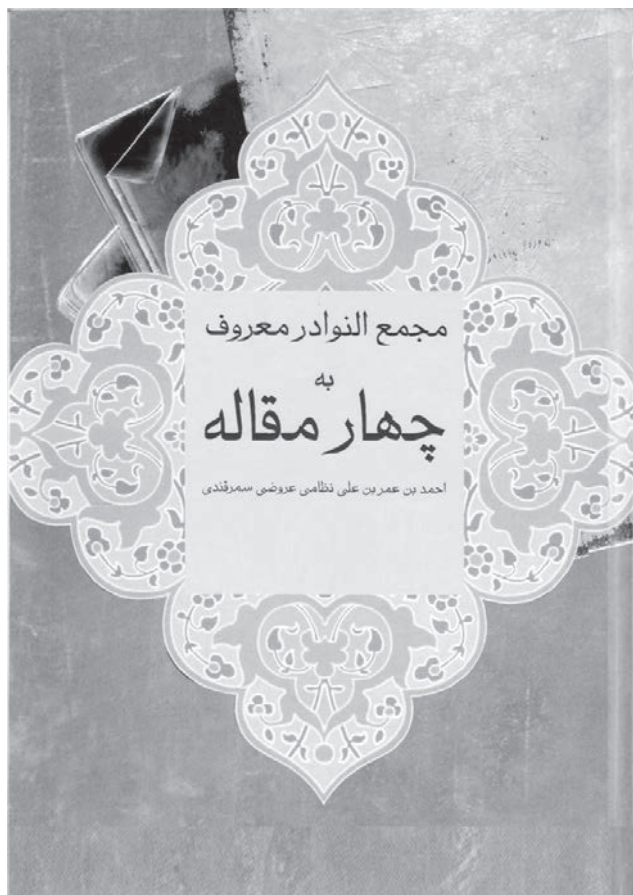
۶- عجیبی جوزجانی

شاعر برجسته خردمند بدربار سلطان بهالدین سام پدر سلطان غیاث الدین محمد سام غوری بوده است، اسم آن شمس الدین و تخلصش عجیبی بوده. در سرزمین جوزجان که از متصرفات غوری ها بو دنیا آمد، صاحب اثر زیبای لباب الالباب است، این شاعر در وصف سلطان بهالدین سام گفته :

ناگه درواوبدریای قیروان
سحر سپهر پیرداکرده طیلسان
بگرفت دست ماه گریبان آسمان
در خاک تیره شد ملک روم
ازدرو لعل چتر سکندر برو نشان.....

چون شمع روز روشن از ایوان آسمان
دوش زمین و فرق هوارا زقیر و مشک
آورد پای مهرچودر دامن زمین
بر طارم فلک چوشه هند شد مکین
گردون چوتاج کسر امکان بمعجزات حسن





۷- فخرالدین مبارک شاه

فخرالدین بن حسین، ملقب به مبارکشاه مؤلف تاریخ غور که انساب سلاطین غور را به شعر معرفی نموده، وی در ابتداوزیر در بار سلطان علاالدین حسین بوده و هم مدتی در خدمت سلطان غیاث الدین محمدسام غوری بوده است، زمانیکه سلطان میخواست از مجلس طرب و سرور بشکار برود، مبارکشاه فی البدیئه گفت :

به زان باشد که در شکار آویزی
اندر بزکوهی به چه کار آویزی

اندر می و معشوق و نگار آویزی
آهوی بهشتی چو بدام تو در است

۸- شمس الدین مبارک سگزی

وی اشعار زیادی در مدح سلطان غیاث الدین غوری سروده، در مرثیه ناصرالدین عثمان نگاشته :

اسلام ز کفر نا توانی دارد
در پای بلا چه زندگانی دارد

بی تیغ تو فتنه کامرانی دارد
سربرکن و بنگر که زمرگ توجهان

۹- ظهیرالدین سگزی

اسم او ظهیر الدین نصرمولد او سیستان است، به قول صاحب مجمع الفصحاء باری از بلاد نیمروز بعزم رسالت بدر بار سلطان غیاث الدین غوری رسیده وازین سلطان و ملک الشعرا فخرالدین مبارکشاه غوری انعام گرفت.

نمونه کلام

ری زطبع تو زاده کان سخن
شاهبازی زآشیمان، سخن
آفتابی زآسمان سخن
نقشبندان پرنیان سخن
هرگیز از هیچ پهلوان سخن.....

ای به لفظ توزنده جان سخن
چون تودر هیچ درو پرنگشود
چون تو در هیچ وقت رخ نمود
نیم کاران طبع ذهن تواند
آن سواری که رخ نگردانی

ادامه دارد...



آشنایی با حشرات مفیده

زنبور عسل

مدیریت ماهنامه

آیات ۶۸ و ۶۹ سوره نحل: ترجمه :

«پروردگار تو به زنبور عسل وحی (و الهام غریزی) نمود که از کوه‌ها و درختان و داربست‌هایی که (مردم) می‌سازند خانه‌هایی برگزین و تمام ثمرات (و شیرهی گلها) بخور (خوردن در اینجا مجاز است منظور نوشیدن خاص است) و راه‌هایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است براحتی بپیمای.» و از شکم‌هایشان شرابی با رنگ‌های مختلف خارج می‌شود که در آن برای مردم شفا است به یقین در این امر نشانه‌ی روشنی است برای جمعیتی که می‌اندیشیدند.»

برای رشد این حشره مفید تمام جهانیان به این عقیده اند که زراعت رشد داده شود، گلها و گیاه‌های مفیده زرع گردد تا زنبور عسل بتواند به سهولت در تهیه عسل مبادرت نماید ج . سوئیفت نویسنده انگلیسی نوشته است که : (هرکسی به عوض یک خوشه یا ساقه سبزه در همان زمین دو خوشه یا دوساقه برویاند، به بشریت و وطن خود خدمت زیاد ترنسبت به تمام سیاست مداران کرده است.)

سالها قبل از داروین دانشمند انگلیسی در روسیه شخص بنام «بولوتوف» اساسگذار علم زراعت روسی خاطر نشان ساخته بود که همبستگی زنبور عسل با نباتات گلداریکه توسط حشرات گرده افشانی می شود دارای اهمیت زیاد عملی می باشد، به اثبات رسیده است که زنبور های عسل سبب افزایش محصولات، غله جات و میوه جات بوته ی میشوند چه گرد گل آنها چسپناک بوده و توسط شمال انتقال کرده نمی توانند و در آنجا زنبوران عسل وظیفه ناقل گرد گل را بصورت عالی اجرا می نمایند و مانند اینکه خود طبیعت تمام لباس پر پشم آنها را برای این وظیفه مهم اختصاص داده باشد.

اگر در یک هکتار باغ دو خانواده زنبور عسل مستقر باشند با اجرای وظیفه گرده افشانی خود محصولات درخت سیب را سه چندان افزایش می بخشند، بهمین قسم درختان ناک نیاز به گرده افشانی متقاطع دارد، مشاهدات که در اوکراین کنونی در وقت شوروی صورت گرفته بود، نشان داد که زنبور های عسل محصولات آلو بالوگیلاس را هفت برابر افزایش میدهد.

بقراط فیلسوف یونانی می گوید: (نه تنها خود داکتر باید همه چیزیکه برای تداوی لازم است استعمال کند، بلکه مریض ، اطرافیان وهمه شرایط خارجی نیز باید با داکتر در وظیفه اش مساعدت کنند.)

بلی، بحث ما حشرات است، حشرات متعدد ترین طبقه حیوانات را تشکیل میدهند، حشره شنانان ویا علمای که در این عرصه کار می کنند، بیشتر از یک ملیون حشره را شناسایی و تعدادی را زیر مطالعه دارند، این حشرات بعضی ها مضر بوده و در صورت مواجه شدن به انسان، نبات وسایر محصولات ضرر وارد می کنند، البته اقسام شان بچشم دیده شده و بعضی ها هم قابل رویت نمی باشند.

حشرات بزرگ مانند ملخ، حشرات شب پرواز و روز پرواز زنبور ها، مگس ها، پشه ها که در اوایل سال به تخم گذاری و تولید نسل می پردازند، اگر پیشا پیش وقایه نشوند، ضرر شان ناخود آگاه به انسان وارد می شود، این اضرار سبب مریضی های ناگوار شده که دوکتوران محترم در زمینه بیشتر اطلاعاتی را به مردم و جامعه ارائه نموده و یا می نمایند.

در این شماره از شناسایی می‌خواهیم روی حشرات مفیده بحث نموده و از تأثیرات مثبت شان بالای حیات انسانها معلوماتی هر چند کوتاه، اما مفیدی را تقدیم خواننده گرامی نمائیم، از جمله حشرات مفید یکی **زنبور عسل** است، که در بسا نقاط کشور ما بصورت بدوی زندگی نموده حاصل مفید شان که عسل است به انسانها تقدیم میدارند، این ماده حیاتی در قرآن کریم بیک سوره ی خاصی اختصاص یافته است و میفرماید :

«خوردن عسل برای مردم شفاء است» «فیه شفاءٌ للناس»، واژه «شفاء» در قرآن، درباره ی خوردنی‌ها به کار نرفته است، بلکه این آیه مبارکه به اهمیت عسل و شفا بخشی آن اشاره نموده است.

پیامبر اسلام(ص) فرمودند: «لم يستشف المریض بمثل شریة العسل» «هیچ مریضی، به مانند نوشیدن عسل شفاء پیدا نمی‌کند.»





می‌یابد. به طور مثال تولید گیلان تا ۴۰ درصد اضافه می‌شود.

برای پیشگیری از بروز بیماری در کندو باید اقدامات زیر را انجام داد:

۱- نظافت کندو و محل آن

۲- ضد عفونی و شستشو ابزار زنبور داری بعد از هر بازدید

۳- نگه داری کندو در محل خشک مخصوصاً در زمستان برای پیشگیری از بروز بیماری نوزما

۴- گذاشتن کندو بر روی پایه (می توان از چند آجر یا تخته چوب هم قطر آجر استفاده کرد)

۵- تعویض به موقع آب زنبورستان و شستشوی ظرف آب آن ها

۶- از بین بردن آب ها راکد و گنداب اطراف کندو

۷- دور کردن کندوی مریض از زنبورستان و سوزاندن کندو لاعلاج و سوزاندن لاشه زنبوران کندوی مریض

۸- پرهیز از خرید وسایل دسته دوم

به طور مثال اگر در یک باغ سیب قرار باشد ۵ تن محصول برداشت شود، با قرار دادن تعدادی کلنی زنبور عسل داخل باغ، در هنگام شکوفه دادن گل‌ها، مقدار محصول به ۵۰ تن (با کیفیت بسیار زیاد) افزایش خواهد یافت.

زنبور عسل قادر است عطرهای مختلف هزاران گل و گیاه را شناسایی و در نهایت دقت و ظرافت، نوع آنها تشخیص دهد. زنبور هنگامی که مشغول جمع‌آوری گرده و یا شهد یک نوع گل است، به شهد و یا گرده گل‌های گیاهان نوع دیگر توجهی ندارد.

این صفت، یعنی «ثابت گل بودن» ذاتاً در وجود زنبور عسل قرار داده شده است و گرده یک گل را به همان نوع گل در مکان دیگر انتقال می‌دهد.

اکثر حشرات فقط در موقع گرسنگی از شهد و یا گرده گل‌ها استفاده می‌کنند ولی زنبور عسل همیشه غذای کافی در داخل کندو بصورت ذخیره دارد. بنابراین از طلوع آفتاب تا آخرین لحظات روشنایی روز برای جمع‌آوری آذوقه تلاش می‌کند.

طبیعت نه تنها تغذیه زنبور بلکه غذای نوزاد آن را بطور کامل در داخل گرده و شهد گل قرار داده. به این خاطر، زنبور عسل برای زنده ماندن، وابسته به گل است.

اگر باغداران و کشاورزان بتوانند از این هماهنگی میان زنبوران عسل و گل‌ها استفاده کنند، محصولاتشان افزایش

با گرده افشانی زردآلوتوسط زنبور های عسل از ۴۹۹ گل ۱۳۷ آن ثمر داده است که ۲۷،۲۲ فیصد ثمر از مقدار عمومی گلها بوده درحالیکه بدون گرده افشانی توسط حشرات ۱،۱۸ فیصد از مقدار عمومی گلها ثمر داده اند، از جمله درختان عسل بازقیل از همه درخت بادام شگوفه می کند، بدون سهم گیری زنبور عسل از یک هکتار ۳۰ کیلو گرام محصول بدست آمده ودر صورت گرده افشانی توسط زنبور های عسل به دو تن افزایش یافت.

زنبور عسل نه تنها برای تولید شربت عسل کار میکند، بلکه خداوند پاک برایش توانایی آنرا داده تا ممد خوبی برای انسان بخصوص دهقانان و با غداران باشد که بصورت ذیل ایفای وظیفه می نماید :

نقش زنبور عسل در گرده افشانی

زنبور عسل تنها حشره‌ای است که خداوند متعال شرایط لازم و کافی برای گرده افشانی غیر مستقیم را (که لازم و ضروری نیز می‌باشد)، در سطح عالی در وجود او قرار داده است.

در یک باغ میوه یا مزرعه اگر در هر هکتار حدود چهار تا پنج عدد کلنی (کندو) زنبور عسل قرار دهیم، کیفیت و کمیت میوه یا بذر حاصل، حدوداً تا ده برابر افزایش خواهد یافت.



هفت سپن

دهزاد

سارنگ بزن به رنگ پاری
طرفی به قدوم نو بهاری
سازی بنواز از دل و جان
چون نغمه ی بلبل و هزاری
سبزینه شده بساط بستان
از لطف خدای حی باری
سیب است شگوفه بسته اینک
بشگفته چو روی گلعداری
سرو است سهی به قامت خود
بگرفته طراز گل نگاری
سوسن به کرشمه میخرامد
در باغ و چمن به بیقراری
سالی که نکو کند خدایش
(دهزاد) ز حق بخواه به زاری

خیال حریر

اشاره به بهار

مولانا

ای سیزی هردرخت و هرباغ و گیا
ای دولت و اقبال من و کارو کیا
ای خلوت و وای سماع و اخلاص و ریا
بی حضرت تو این همه سوداست بیا

ای نو بهار عاشقان داری خبر از یارما؟
ای از تو آستن چمن وی از تو خندان باغها
ای باد های خوش نفس عشاق را فریاد رس
ای پاکتر از جان و جا آخر کجا بودی؟ کجا؟
ای فتنهء روم و حبش حیران شدم کین بوی خوش
پیر آهن یوسف بود با خود روان مصطفی
ای جویبار راستی، از جویبار ماستی
بر سینها سیناستی، بر جانهای جانفزا
ای قیل وای قال تو خوش وای جمله اشکال تو خوش
سری که نفکند ست کسی، در گوش اخوان صفا



صفت نوروزی

عطار

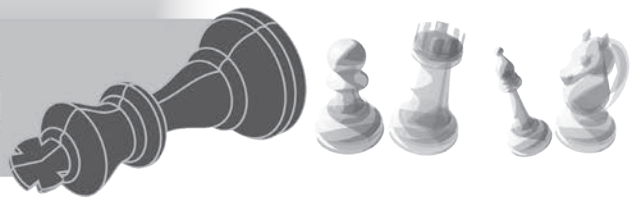
جهان از باد نوروزی جوان شد
زهی زیبا که این ساعت جهان شد
شمال از صبحدم مشکین نفس شد
صبای گرم او عنبر فشان شد
نو گویی آب خضر و آب کوثر
زهرسوی چمن جوئی روان شد
چو گل در عهد آمد بلبل مست
به پیش مهد گل نعره زنان شد
کجایی ساقیا؟ درده شرابی
که عمرم رفت و دل خون گشت و جان شد
فقس بشکن کزین دام گلو گیر
اگر خواهی شدن، اکنون توان شد
چه میگویی: بنقد عیش خوش باش
چه میگویی که این یک رفت و آن شد؟
یقین میدان که چون وقت اندر آید
تراهم می ببايد از میان شد
چوباز افتادی از ره، ره ز سر گیر
که هم ره دور رفت و کاروان شد
بلای ناگهان اندر پی ماست
دل «عطار» ازین غم نا توان شد

نور الله وثوق

لحظه رویش بهار من است
گلسوارش کوفه یار من است
هفت سین امید را چیدم
گاه پایان انتظار من است
خانه‌ی سینه را تکان دادم
شادمانی دل نثار من است
سوز و ساز سرود سبز سحر
سنبل سوژه‌ی سه تار من است
از نژاد بزرگوار دلم
عشق از ریشه و تبار من است
قامت سرفراز نوروزی
سایه‌ی موج رنگ و بار من است



داستان شطرنج



استاد دهمزاد

شاه جهان مغل پادشاه هندوستان را وزیر ی بود به نام "بیربل"، روزی شاه جهان ازو پرسید که نقشه ی جنگ را چگونه طرح میکنی که همیشه در جنگها پیروز میشوی بیربل عرض کرد که شاهها من اندرین کار مهارتی ازان دارم که در بازی شطرنج ماهر م . شاه که تا آن روز ازین بازی معلوماتی نداشت علاقه مند شد و از بیربل خواست تا اندرین باره برایش معلومات و تعلیمش دهد ازنجاییکه شاه را کمال سرشار و تعقل وافر بود دیری نگذشت که بازی را به مهارت تمام یاد گرفت و بعد از فراگیری چنان شیفته ی این بازی شد که تا شطرنج نچیدی خوابش نبردی ، روزی از روز ها شاه جهان با وزیرش بیربل شطرنج به شرط آن چید تا هر که مات شود دیگری را زن دهد . چه خوبست تا این قصه را از زبان شعر بخوانیم :

بود در هندوستان فرمانروا
لایق وهم عادل ونیکوسیت
کز چه پیروزی به میدان عمل
دشمنان مغلوب از پیکار تو
نیست از دست تو بد خواه را امان
کار میگیرم به جنگ دشمنان
پیش من آرش بینم کار کیست
تخته ی آورد ابیض هم سیاه
گه تعرض گه عقب اندازی است
خیره شد در عرصه از روی کمال
توبیابامن به میدان عمل
عقل شاه آن قفلها را شد کلید
هر کسی کومات شد او همزمان
وانکه از این جنگ خونین جان برد

شاه جهان آن پادشاه نیک را
بیربل بودش وزیر باهنر
یک سوالی کرد شاه از بیربل
گو چه تدبیرست اندر کار تو
هر کجا خواهی بگیری همزمان
گفت شاهها نقشه ی دارم کزان
شاه گفت ای عجب این نقشه چیست
بیربل آن تابع فرمان شاه
گفت شاهها نقشه از این بازی است
شاه جهان آن صاحب عقل و جمال
رمزها دانست و گفت ای بیربل
بیربل تادانه ی شطرنج چید
گفت با تو شرط میندم چنان
زن دهد بر آنکه او میدان برد

در گیر و دار بازی شاه جهان در صحنه ی گیر افتاد که به یک حرکت دیگر مات میشد و شرط را میبخت بسیار اندوهگین شد و به حرمسرایش رفت و او را چهار زن منکوحه بود به نامهای جهان ، حیات ، وفا و دلارام و ازین میان دلارام را به شطرنج علاقه و استعدادی خاصی بود او صحنه ی بازی شاه و بیربل را از پشت پرده دیده بود و طریق دفاع چال بیربل را سنجیده بود . شاه جهان همسران خویش را مخاطب نموده گفت که هر کدام از شما از خوبیهای خود بگویید و هر که این بیان را نکو عرض نکرد او را در بدل شرط بدهم و عهد بر جا کنم .

حرکت و چال است از فرزین و فیل
شاه جهان میبخت با آن زیب و فر
فکر او محصور و در زولانه شد
چاره ای سنجیده و بردو کند
هر یکی در حسن و خوبی همچو ماه
نزد آن نواخترانی چون زهل
خوبی خود را درین دور و زمن
در معنی رابه خوبی اونسفت
من نه آن باشم که خود رسوا کنم
او چنین گفتا که ای پیوند جان!
گر «جهان» نبود نباشد این زمان
گفت شاهها دور باشی از ممات
بی تجسم باشد این چرخ زمان

صحنه آرامست و هم بی قال و قیل
حالتی آمد که در دور دگر
شاه ترک صحنه و در خانه شد
تا مگر اندیشه ای از نو کند
چهار خانم داشت آن فرخنده شاه
قصه ی خود گفت و شرط بیربل
گفت هر یک از شما گوید به من
هر که کم آورد و او نیکو نگفت
میدهم او را و فابرجا کنم
می شنید آن شاه اول از «جهان»
جمله خوبیها و این نام و نشان
آن یکی دردانه بانام «حیات»
گر حیاتی نبود اندر این جهان





گفت کی شاه جهان بهر خدا
از وفا این عرصه در آسایش است
عرصه‌ی شطرنج را شام و پیگاه
هوشیار و زیرک و با زیب و فر
راه خوبی بهر او سنجیده بود

دیگرش کو بود با نام «وفا»
گر وفا نبود جهان بی ارزش است
نوبت آن شد که میکرد او نگاه
بود نام او «دلارام» از پدر
عرصه‌ی شطرنج شه را دیده بود

هر یکی از ازواج شاه در مورد خوبی خود چیزی بیان کردند و نوبت به دلارام رسید. دلارام در عوض اینکه از محاسن خود چیزی بگوید طریق بیرون رفت از چال بیربل را به شاه نشان داد و گفت:

تو بده تاوان نا حق آن دو رخ
تا که گردد باز راهی بهر فیل
فیل را حرکت بده گو کشت و مات
مـرحبا گفتا به آن اقوال او
یک یگان بر بست آن چال و حیل
جام پیروزی شد از شاه جهان
بر وزیر خویش آن شایسته خو

گفت ای شاه جهان ای ماه رخ
وان پیاده پیش کن بی قال و قیل
هین مده ما را تو بر شرط حیات
شاه جهان دانست از آن چال او
بعد از آن آمد بمیدان عمل
بیربل را مات گفتا آنزمان
لیک عقد شرط را بخشید او

این حکایت گفت «حرمت» مختصر
داد «دهزاد» ش به شعری زیب و فر

شاه جهان بعد از اخذ این چال از دلارام وارد خانه‌ی شد که بیربل در انتظارش نشسته بود شاه مطابق به نقشه‌ی که دلارام کشیده بود حرکت کرده و با سه حرکت بیربل را مات کرد و برنده‌ی شرط شد و اما عقد شرط را بر وزیرش بخشید



عسدر اسلام

شهزاد

نزد یونانیان حائز اهمیت زیادی بود و به دست اعراب دقیقاً ترجمه و تکمیل شد به مقام درخور توجهی در این علم رسیدند. بخشی از علوم هم از طریق هند به جهان اسلام راه یافت.

این ارتباط علمی در اوایل دوره خلفای عباسی برقرار شد و ترجمه هایی از متون هندی در پزشکی و نجوم و دیگر رشته ها صورت گرفت. به عنوان مثال در کتاب الفهرست این ندیم دوازده کتاب در طب هندی به زبان عربی ثبت شده است.

پس از فتح خراسان کارگزاران در این خطه کار ترجمه متون پهلوی به عربی را آغاز کردند. در خراسان فعالیت های علمی در دوره خسرو انوشیروان به اوج خود رسیده بود و کانون این نشاط علمی شهر گندی شاپور بود. مهمترین علمی که از طریق خراسان به جهان اسلام انتقال یافت علم نجوم و طب بود.

بسیاری از مورخان علم بخصوص اندیشمندان غربی این رشته بر این نظر متفق اند که مسلمانان در تکوین مسیر دانش و میراث بشری و انتقال دانش از عصر یونان به عصر رنسانس مهمترین نقش را داشته اند.

از مهمترین خدمات تمدن اسلامی به علوم طبقه بندی آن است که توسط مسلمانان به صورت دقیق و منظمی صورت گرفت. اولین طبقه بندی به دو بخش علوم نظری و عملی بود که در علوم نظری تنها اصل شناخت و معرفت مطرح بود و علوم عملی به معنای سلوک بود که به سه دسته اخلاق، تدبیر و سیاست تقسیم می شد. این طبقه بندی برگرفته از علوم در یونان بود. طبقه بندی دومی که از سوی مسلمانان صورت گرفت تقسیم علوم براساس ارتباط شان با هدف اصلی بود. در طبقه بندی سوم علوم به علوم اسلامی و غیراسلامی تقسیم شد.

منظور از علوم اسلامی علمی بود که به طور خالص برگرفته از تفکر مسلمانان بود و دیگران در آن دخالتی نداشتند مانند علم تفسیر. در طبقه بندی چهارم علوم براساس شرعی و غیرشرعی تقسیم شدند علوم شرعی شامل علمی بودند که از سوی پیامبر و پیروانش به

هیچ یک از ادیان و مکاتب به اندازه اسلام، بر کسب معرفت و دانش اندوزی تأکید نکرده اند. این تأکید نه فقط مؤمنان بلکه کافران و مشرکان را نیز در بر گرفته است.

نه در منابع اندیشه و عمل اسلامی و نه در تاریخ ظهور این دین الهی نشانه ای از علم ستیزی و تعارض بین دین و علم یافت نمی شود. اگر آنچه را که در آیات و اخبار درباره فضیلت علم و معرفت آمده بدون هیچ تفسیر و توضیحی کنار هم قرار دهیم خود چندین مجلد می گردد.

اصل کلمه علم هشتاد بار در قرآن در مواضع گوناگون تکرار شده و مشتقات آن مانند یعلمون و یعلم و غیره بارها بکار برده شده است.

نکته جالب این است که قرآن کریم در زمینه دانش اندوزی فقط به کلیات اکتفا نکرده است، بسیاری از آیات به طور خاص بشر را به ژرف نگری در آثار خلقت و طبیعت می خواند.

منبع اصلی علوم عقلی که به جهان اسلام راه یافت، یونان و محافل آن بود. از جمله زمینه علمی که مسلمانان در فراگیری آن از علوم یونانی بهره زیادی گرفتند عبارت بودند از ریاضی، نجوم و پزشکی و علوم طبیعی، مسلمانان همچنین از راه کتاب صوره الارض بطلمیوس در ترسیم نقشه های جغرافیایی توفیق یافتند.

مسلمانان در نیمه دوم سده دوم هجری از گنجینه های پزشکی یونان استفاده های زیادی کردند و کشفیات جابر درباره سموم نمونه بارزی از این بهره مندی بود.

نکته حائز اهمیت این است که تنها شیوه آشنایی مسلمانان با علم طب از راه ترجمه آثار یونانی ها نبود بلکه از طریق پزشکانی انجام گرفت که پیش و پس از فتوحات اسلامی در سرزمین های یونانی زندگی می کردند. درباره علوم طبیعی یونانی و اثرپذیری جهان اسلام از آن باید گفت مسلمانان با استفاده از کتاب دیسکورس در زمینه علم گیاه شناسی که





از دیگر اندیشمندان رشته ریاضیات ابوعبدالله محمد بن موسی خوارزمی است که از برجسته ترین دانشمندان و بزرگترین عالم عصر خود در زمینه ریاضیات، نجوم و تاریخ و جغرافیا بوده است. بیشترین شهرت خوارزمی به سبب نگارش کتاب الجبر و المقابله است که در قرون وسطی نزد اروپاییان از اهمیت خاصی برخوردار بود و پایه مطالعات اروپا در این علم گشت. واژه الگوریتم به معنی فن حساب یا محاسبه از نام خوارزمی گرفته شده و وارد زبان اروپایی گشته است.

از دیگر دانشمندان برجسته ریاضیات جهان اسلام در عصر شکوفایی علوم ابوالعباس فضل بن حاتم نیریزی، موسی بن شاکر، ابوالحسن ثابت بن قره بن زهرون حرانی، ابونصر محمد بن طرخان فارابی معروف به ابونصر فارابی، ابوعلی حسین بن عبدالله بن حسن بن علی بن سینا، غیاث الدین ابوالفتح عمر بن ابراهیم خیامی نیشابوری معروف به عمر خیام و ابوجعفر محمد بن محمد بن حسن معروف به خواجه نصیرالدین و محمود طبیب کاشانی هستند کاشانی ریاضی دانی بود که عدد (پی) را حساب کرد.

دانشمندان مذکور را می توان جریان های علم سازی در حوزه دانش ریاضی در جهان اسلام خواند.

نجوم

در حوزه نجوم دانشمندان اسلامی آثار ارزشمندی از خود باقی گذاشتند از جمله این بزرگان نجوم می توان به ابوعبدالله محمد بن جابر بن سنان رقی حرانی بتانی، ثابت ابن قره صابی حرانی، عبدالجلیل سجزی و ابوالحسن بن یونس اشاره نمود. مهمترین دانسته های نجومی اسلامی چه در موضع نظری و چه در زمینه داده های رصدی از طریق ترجمه مهمترین کتاب نجومی بطلمیوس، مجسطی به دست آمد. مطالعه مجسطی در جهان اسلام باعث به وجود آمدن مکتبی شد که عمده کار آن ارساد ستارگان و تهیه جدول های ستارگان (این جدول ها در جهان اسلام زیج نامیده می شدند) بود. انجام رصدهای پیاپی برای تهیه زیج ها باعث دست یافتن ستاره شناسان اسلامی به یافته های نجومی مختلفی شد که از یافته های مهم آن تقویم اعتدالین بود.

ادامه دارد....

ما رسیده و خود به ۴ قسمت تقسیم می شوند. اصول، فروع، مقدمات و متممات و علوم غیرشرعی در این طبقه بندی علوم عقلی محض بودند مانند ریاضیات.

در آخرین طبقه بندی، علوم به دو بخش عقلی و نقلی تقسیم شدند. منظور از علوم عقلی همان حکمت و فلسفه و غیرنقلی هم امور شرعی و فقهی و دیگر علوم مرتبط با آن بود.

از جمله اندیشمندانی که در طبقه بندی علوم در کتب خود نقش اساسی داشته اند ابونصر فارابی است. او نخستین اندیشمند اسلامی می باشد که به طبقه بندی علوم توجه ویژه ای کرد و کتاب احصاءالعلوم مورد توجه دانشمندان غربی و شرقی قرار گرفت.

ابوعبدالله محمد بن احمد بن یوسف خوارزمی هم در کتاب مفاتیح العلوم شکل نوینی از طبقه بندی علوم را ارائه می دهد.

از جمله علوم که در حوزه تمدن اسلامی شکوفا شد می توان به ریاضیات، نجوم، فیزیک و مکانیک، طب، کیمیا، فلسفه، منطق، تاریخ و تاریخ نگاری، جغرافیا و ادبیات اشاره نمود.

ریاضیات

عرب ها در صدر اسلام علاقه چندانی به آموختن حساب نشان نمی دادند اما همین که شهرنشینی گسترش یافت و نیاز به حساب برای امور مالی ضرورت یافت کم کم اعداد هندی و عدد صفر وارد عرصه ریاضیات مسلمانان شد و شکوفایی این علم آغاز شد.

احمد بن عبدالله مروزی ملقب به حبش حاسب از ریاضی دانان بنام جهان اسلام بود که علم مثلثات مسطحه و کروی را وارد مرحله شگرفی نمود. وی در محاسبات مثلثات کروی نشان می دهد که سینوس، کسینوس و تانژانت و کتانژانت را می شناسد و به درستی از آن بهره می گیرد.

مهمترین مایه ترغیب مسلمین به تاریخ آموزی و تاریخ نگاری آموزه های قرآنی و حدیثی بود، لذا مسلمانان نخستین موضوعی را که در تاریخ مورد توجه قرار دادند سیره پیامبر بود. نیاز مسلمانان به آگاهی و شناخت زندگی پیامبر و چگونگی پیشرفت اسلام و نبردهای آنها با دشمنان اسلام همراه با فتوحات و افزایش قلمرو سرزمینی اسلام بر حجم مطالعات و تنوع موضوعات تاریخی افزود.

... مشعل چراغیست همیشه روشن

محمد ناصر ناهض

قصائد شان، نام پنجاه وشش هنر و فن آمده که به ایشان دسترسی خوبی داشته است.

از اعضای محترم خانواده استاد مشعل که در هنرنقاشی و میناتور دسرسی خوبی داشته اند، یکی هم شاد روان محمد نسیم «پروانه» برادروی بوده است، که علاوه از نقاشی و میناتوری، که بدانها وابستگی فراوان داشت به عنوان یک مؤرخ، شاعر، ادیب فاضل نیز شناخته شده و مردم به ایشان حرمت فراوان قایل بودند.

باید یاد آور شد، تعداد شاگردان مرحوم استاد مشعل در مجموع که بصورت خصوصی و یا در مکتب از استاد فیض برده اند، به بیش از ۱۵۰۰ نفر می رسد که زیاده از سی نفر از میان شان، بقول استاد، بدرجه استادی در کار خودنایل گردیده اند، معروف ترین شاگردان میناتور نیست شان در زمان حال عبارت اند از: عبدالکریم رحیمی، عبدالحی فرهمند خلیل آقا بهسام، محمد فاروق و نذیر احمد وجدانی که نه تنها میناتور نیست شناخته شده اند، بلکه شخص اوو پدر مرحوم آن (الحاج میرزا عبدالباقی خان وجدانی) از بنیان گذاران نگارستان بهزاد، در شهر هرات می باشند، که در سال ۱۳۶۶ هجری خورشیدی بخش قالی بافی این نگارستان به فعالیت های خویش آغاز کرد، چنانچه در سال ۱۳۶۸ صنف قالی بافی این نگارستان، با داشتن سی نفر شاگرد فعالیت چشمگیری داشته و نقاشی مکتب

همچنان کوزه بزرگی به ارتفاع دوونیم متر قطر عظمی آن یک متر بوده و همه اش میناتوری شده و مناظر تخیلی و واقعی در آن درهم آمیخته است، بر روی آن مزار پیر هرات، مسجد جامع بزرگ شهر هرات، منار های مصلی وده ها آمده دیگر با آب شارهها، باغها بوستانهای رنگین این کوزه را تزئین نموده است.

باید تذکر داد، کوزه ی دیگری در سرسرای هتل کانتی نینتال گذاشته شده است که از کوزه یاد شده کوچک تر است، مهمانهای داخلی و خارجی بویژه سیاحین و جهانگردان، اهل هنر و فرهنگ، بادقت بیشتر و دقیق تر آنرا مشاهده نموده و از آن عکسبرداری می نمایند، این دو کوزه از شاهکارهای بیاد ماندنی روانشاد الحاج استاد مشعل نابغه روزگار می باشد، که خالق یکتادوباره چنین فرازانه فرزندی را خلق نماید که نامش را گذارند*مشعل*.

اودر موسیقی هم دست داشته، در نواختن دوتار رباب و هارمونیه، مهارت کافی داشته، در سبک آواز خوانان ولایت غورگاه گاهی در ایام جوانی در محافل خصوصی دوستان آواز خوانی هم نموده است، استاد زنده یادافزون برآنکه در نقش میناتوری، خطاطی، شاعری موسیقی، و هنر تیاتر دست توانای داشت، در کفش دوزی کلاه دوزی (سبک قندهاری) گلدوزی توسط ماشین گچبری، سرامیک حکاکی، مجسمه سازی از سنگ، نجاری، بنایی، دوتار سازی، و رباب سازی نیز دسترسی خوبی داشتند، چنانچه در یکی از





آری؛ پس از چهل سال برسیدن آرمان خود نزدیک می شوم، بلی؛ کارهای مقدماتی به خاطر احیای نگارستان بهزادبا مساعی وی و همکاری های زقیمت آقای وجدانی و تشویق های امید وار کننده ی محترم مرحوم مغفور فضل الحق خالقیارصدر اعظم فقید افغانستان که در آن زمان وزیر مشاور، رئیس تنظیمه ووالی هرات بودند، انجام یافته بود، فقط همانقدر مانده بود که زمین مناسبی بدسترس شان گذاشته می شدومهندسی لایقی بااستادمشعل همکاری میکرد، تا عمارتی برپا میگردد، از یک جانب معماری هرات رازنده می نمودواز جانب دیگر عمارتی که شایسته نگارستان بهزادباشد، بدین منظور، بقول استادفقید، ساخته می شد، موزیم، نمایشگاه بزرگ آثار هنری هرات جهت عرضه وجود میداشت.

بدینوسیله و بهانه هنر هائیکه در هرات طی سالیان گذشته، در حال مردن ویا از بین رفتن قرار داشت، نجات می یافت. در جای دیگر از مطبوعات کشور ما، در مورد این استاد فقید چنین میخوانیم: «استاد مشعل شخصیت چندین بعدیست، زیباشعری گوید، زبان شناسی ادبیات وتاریخ می پردازد، میناتوربست بی نظیر در کشور ماست، کار های دیوانی او بویژه فعالیت چشمگیرش در مقام شاروالی هرات ماندگار است.»

شاید بارزترین صفت مرحوم استاد مشعل وطن پرستی پر شور او بود، جناب شان همیشه می گفتند: من وطن را آرام، آباد، پر باغ پر بارو سبز وشگوفان میخواهم و بس.

روحش شاد و یادش گرامی باد

هرات را درساختارقالی های شان پیاده نموده اند دررأس نگارستان هرات، استاد مشعل قرارداشت.

که امور مربوط راهنمایی شاگردان را طراحی دیزاین و میناتوری عهده دادرزمان حیات خود بودند، نذیر احمد جان وجدانی به عنوان معاون و معلم قالی بافی درنگارستان بهزاد بافته شده که در بازارهای داخل و خارج کشورازشهرت و فروش خوبی برخوردارگردیده بود.

باری؛ استاد مشعل پیرامون نگارستان هرات طی مصاحبه ی اختصاصی با اینجانب در منزل شان انجام داد، در روزنامه وزین اتفاق اسلام در سال ۱۳۶۷ هجری خورشیدی چاپ و نشر گردیده بود چنین یاد آوری نمود: (چهل سال بود که تلاش میکردم تانگارستان بهزادرازنده بسازم، کوشش های فراوانی بخرچ دادم، بهمه بزرگان نیاز خود راعرض کردم، ولی چه سود؟ کسی التماس مرا نمی شنید، خوشبختانه اکنون در هرات خانواده هنردوستی وجوددارد، که احیای نگارستان بهزاد رابه عهده گرفته است، هر قدر مصرفی که ضرورت باشد، دریغ نمی کنندوفرزندانش را نیز وقف این مکتب نموده است.

در مکتب کمال الدین بهزاد، بگونه افتخاری مشاورهستم، من می دانم که در هرات چی استعدادهای وجوددارد، اگرزمینه مساعد گردد دنیا را بکار وافرینش خودحیران می سازند همین اکنون شاگردان من، ظریف ترین تابلو های میناتوری را در نقش قالیبن پیاده کرده اند چنین کاری بی نظیر است، میگویند در دنیای خارج، با استقبال زیاد حلقه های هنری وتجاری روبروشده است.)



...اشتباه والدین در تربیت کودک

تهیه کننده: محمد حسیب حزین یار

کاملتان را به کودک می دهید و نگران آماده کردن شام یا انجام کار خاصی نیستید بهتر از این است که یک روز کامل با کودک بازی کنید اما نیمی از توجه خود را به او بدهید.

۸- واکنش اغراق آمیز به دروغ گویی

شنیدن دروغ از زبان کودک، والدین را به شدت عصبانی می کند، اما بهتر است رفتار دروغ گویی کودک را به عنوان رفتاری تجربی و نه یک مسئله اخلاقی در نظر بگیرید، وقتی کودکان شروع به دروغ گفتن می کنند، یک پیشرفت شناختی بزرگ اتفاق افتاده است دروغ گفتن برای کودک هیجان انگیز و کمی ترسناک است و بار هیجانی دارد اما والدین با شنیدن دروغ کودک، از کوره در می روند و بلافاصله آینده بدی را برای او متصور می شوند.

دروغ کودک نباید جدی گرفته شود و آنرا یک مشکل جدی پنداشت، خوب است که واکنش اغراق آمیز نشان ندهید. شنیدن یک یا دو دروغ از کودک طبیعی است و بخشی از رشد اوست، سعی نکنید کودک را وادار به گفتن حقیقت کنید.

فرزندپروری مؤثر به صرف زمان، صبر و عشق نیاز دارد، علاوه بر این لازم است به یاد داشته باشید که نمی توانید در یک روز تغییرات ایجاد کنید، پس صبور باشید و در صورت عدم موفقیت، بارها و بارها تلاش کنید.

است. بازی آزاد بهترین ابزار برای پرورش مغز کودک است. در بازی، کودکان به طور طبیعی و به اندازه ای که لازم است خود را به چالش می کشند. از آنجا که این چالش ها توسط کودک طراحی می شوند، میزان سختی و آسانی آنها مناسب هستند.

به یاد داشته باشید که تعریف بازی از دیدگاه خوردسالان « وقتی باید انتخاب کنی که چه کاری را انجام بدهی، چه کار می کنی » است. انتخاب آزادانه که نمود اختیاری بودن بازی است، از اهمیت زیادی برخوردار است. کودک دوست دارد همه چیز را جمع کند یا کارهای خانه را انجام بدهد، این فعالیت ها برای کودک به منزله بازی است و انجام آن برای کودک جالب و سرگرم کننده است.

۷- غرق شدن در کارهای روزانه

شاید کودک شما به خوبی به شکل مستقل بازی کند اما این به معنی آن نیست که به توجه شما نیازی ندارد. پس بهتر است در طول بازی کودک کنار او بنشینید و کمی با او بازی کنید. بعضی از والدین به طور کلی با کودک بازی نمی کنند و حواس برخی دیگر موقع بازی با کودک به راحتی با زنگ تلفون موبایل، ایمیل یا سایر عوامل پرت می شود. خوب است بدانید کودک به خوبی متوجه می شود که آیا واقعا به بازی توجه می کنید یا نه؟

بهترین راه حل آنست که زمان را در نظر بگیرید، هیجان و اشتیاق به خرج دهید و در مدتی که مشغول بازی هستید، تمام توجهتان را به بازی و کودک بدهید. نیم ساعت بازی متمرکز با کودک در شرایطی که توجه

۵- برنامه ریزی بیش از حد برای کودک

والدین اغلب لیست بلند بالایی از فعالیت های گوناگون مانند؛ کورس رفتن، مدرسه یا مسجد رفتن وغیره برای کودک در نظر می گیرند و از اینکه چرا کودک با وجود انجام این همه فعالیت فیزیکی که طبیعتا باید او را خسته کرده باشد، بلافاصله بعد از رفتن به رختخواب خوابش می برد، تعجب می کنند. پاسخ این سوال این است که آنها هنوز سرشار از انرژی هستند و برای آرام شدن به زمان نیاز دارند. همه کودکان و خصوصا خوردسالان برای کسب آرامش به فرصت و شرایط آرامش بخش نیاز دارند.

لطفاً بیش از حد برای کودک برنامه ریزی نکنید و او را وادار نکنید از یک فعالیت به فعالیت دیگر بپردازد. به کودک فرصت دهید تا وقتی از مهدکودک بر می گردد، خودش را با انجام بازی هایی که دوست دارد سرگرم کند.

۶- نادیده گرفتن اهمیت بازی

بیشتر والدین احساس می کنند برای آموزش نظم و ترتیب و حد و حدود باید کودک را در کلاس های رسمی ثبت نام کنند اما این قضیه اهمیت زیادی ندارد. چیزی که در این سن به غنی شدن کودک کمک می کند بازی آزاد است که شامل بازی نمایشی، پرسر و صدا





افسردگی

فاطمه غلامی

دلایل ابتلا به افسردگی:

معمولا دلیل ابتلا به افسردگی، ترکیبی از عوامل ژنتیکی، جسمی محیطی و روانی می‌باشد. بعضی از این عوامل شامل:

- انتقال دهنده های عصبی. این مواد شیمیایی طبیعی مغزی با حال و حوصله شما ارتباط مستقیم داشته و نقش کلیدی در افسردگی ایفا می‌کند.
- هورمون‌ها. تغییر در سطح هورمون‌های بدن می‌تواند عامل ابتلا به افسردگی باشد.
- عادات ارثی. افسردگی در افرادی که در خانواده‌شان سابقه فسردهگی دارند، شایع‌تر است.
- حوادث زندگی. حوادثی خاص همچون مرگ یا از دست دادن کسانی که دوستشان دارید، مشکلات مالی و استرس شدید، می‌تواند باعث ابتلای شما به افسردگی شود.

• آسیب‌ها و مشکلات کودکی. آسیب‌های و حوادثی شامل از دست دادن والدین، تجاوز جنسی و ... می‌تواند تأثیرات دائمی بر مغز گذاشته و خطر ابتلای به افسردگی را افزایش دهد.

چه کسانی در خطر ابتلا به افسردگی هستند؟

معمولا افراد در سنین نوجوانی و یا بین دهه دوم و سوم زندگی رخ می‌دهد، اما محدودیت برای آن وجود نداشته و افراد در همه سنین دچار ممکن است، دچار افسردگی شوند. تعداد زنان مبتلا به افسردگی معمولا دوبرابر مردان می‌باشد. افرادی که هر یکی از شرایط زیر درباره آنها صدق می‌کند، خطر بیشتری برای ابتلا به افسردگی آنها را تهدید می‌کند:

- زنان
- کسانی که در خانواده‌شان سابقه افسردگی وجود دارد
- تجربیات آسیب زنده در کودکی
- افرادی که دوستانشان افسرده هستند
- کسانی که اعضای خانواده و یا کسانی که دوست داشته‌اند را از دست داده‌اند
- کسانی که به تازگی زایمان کرده‌اند (افسردگی پس از زایمان)

- کسانی که سابقه افسردگی دارند
- کسانی که به بیماری‌های خطرناک از قبیل سرطان، دیابت بیماری‌های قلبی، آلزایمر و یا اچ ای وی / ایدز مبتلا هستند.
- کسانی که عادات شخصیتی و رفتاری خاصی دارند، مثلا افراد بسیار وابسته، بدون عزت نفس، بدبین و ...
- معتادان به الکل و موادمخدر
- افرادی که داروهای خاصی از جمله، داروی فشارخون، قرص خواب و یا سایر داروهای خاص مصرف می‌کنند.

علائم و نشانه های افسردگی :

افسردگی ممکن است به صورت های زیر زندگی آدمی را تحت تأثیر قرار دهد:

۱- تغییرات در احساسات و ادراکات:

- گریه های مکرر یا فقدان پاسخ دهی عاطفی، ناتوانی از لذت بردن از هر چیزی، احساس نا امید ی بی ارزشی، احساس افراطی گناه یا خود سرزنشی، فقدان صمیمیت نسبت به خانواده و دوستان، بدبینی نسبت به آینده، احساس درماندگی - افکار خودکشی، غمگینی، اضطراب، خشم و دیگر عواطف ناخوشایند

۲- تغییرات در رفتار و نگرش:

فقدان علاقه به فعالیت های قبلی و کناره گیری از دیگران، غفلت از مسئولیت ها و توجه نکردن به ظاهر شخصی، تحریک پذیری و به آسانی دستخوش خشم شدن، فقدان انگیزه به منظور پیگیری اهداف، ناراضی کلی از زندگی، کاهش توان حافظه، ناتوانی در تمرکز، بلا تصمیمی و آشفتگی، تغییرات شناختی، کاهش توانایی روبرویی با مسائل روزمره

۳- تغییرات جسمانی و شکایات بدنی:

خستگی مزمن و فقدان انرژی، فقدان کامل اشتها یا خوردن اجباری، بی خوابی، بیداری زود هنگام صبحگاهی یا خواب بیش از حد، سردردها پشت دردها و سایر شکایات مشابه بدون دلیل، مشکلات گوارشی شامل درد معده، تهوع، اشکال در هضم و تغییر در کارکردهای روده ای مثل یبوست، چرخه های نامنظم قاعدگی، کاهش یا افزایش غیر متعارف وزن فقدان یا کاهش تدریجی میل جنسی

ادامه دارد...

سیر اندیشه و تفکر سازمانی در آسیا

مدیریت ماهنامه

جای تعجب نیست که مصنوعات در شهر های بزرگ مرغوب تر از شهر های کوچک ساخته می شود، در شهر های کوچک فردی که دروازه و کلکین، میز و چوکی و تخت خواب می سازد خانه نیز می سازد، بدیهی است شخصیکه کار های مختلف انجام میدهد در تمام کار هابطور یکسان موفق نخواهد بود، از طرف دیگر در شهر های بزرگ این امکان وجود دارد که فردی بکنوع کار امرار معاش کند، فرد فقط کفش مردانه می دوزد دیگری کفش زنانه، یک نفر فقط برش چرم میدهد و دیگر فقط بخیه می زند، فردی بیک نوع کار می پردازد، مهارت کافی نیز بدست می آورد.

باتوجه به اسناد تاریخی، اسکندر مقدونی (۳۳۳-۳۳۶ قبل از میلاد) که فرمانده یکی از بزرگترین ارتش های طول تاریخ بوده است، از اصول صف و ستاد در سازمان نظامی خود استفاده نموده است.

پادشاهان ساسانی، برخلاف اشکانیان اصول مرکزیت دولت هخامنشی را با مذهب توأم کردند، اهمیت و تعداد کارکنان سازمان های دولتی در این دوره بحدی رسید که طبقه ی بنام دبیران از طبقات اصلی اجتماع تشکیل شد، منشیان، محاسبان، نویسندگان احکام دادگاه ها، نویسندگان اجاره نامه ها و قراردادها منجمان، دوکتوران جز طبقه دبیران یا دبیران محسوب شدند.

به این مثالها متوجه می شویم که مدیریت از سابقه قابل ملاحظه ی برخوردار بوده و در کشور های شرقی به نوع خاصی بوجود آمده و به همان منوال در حکومت داری های مختلف مرعی الاجرا بوده است، پس به این نتیجه میرسیم که مدیریت درست سبب پیروزی در کار بوده و اداره یک سازمان مربوط و منوط به مدیریت است که چه کسی این مدیریت را می تواند انجام دهد؟

چنین کار بزرگی بدون پلان و برنامه ریزی سازماندهی و کنترل نمی توانست انجام شود، در اسناد بدست آمده از مصر باستان دستور العمل های در باره استفاده از مشاور (رهبری) و تعیین حرکت کار آینده (برنامه ریزی) اختیار مسئولیت و شرح وظایف یافت می شود، ایجاد شبکه گسترده آبیاری برای استفاده از سیلابهای رود نیل، نمونه دیگر از کار های سازمانی در دوره باستان است.

بهمین منوال شاید قانون حمورایی را بتوان در سالهای ۱۷۰۰ تا ۲۰۰۰ قبل از میلاد در بابل سندیگری برای مدیریت محسوب کرد، در این قانون مباحثی در باره حداقل دستمزد، نحوه کنترل و مسئولیت وجود دارد.

قانون اساسی «چو» رادرچین که در حدود یکهزار سال قبل از میلاد تدوین گردیده می توان راهنمایی شرح وظایف اعضای نظام حکومتی از نخست وزیر گرفته تا پیشخدمت بشمار آورد.

کتابچه هنر جنگ که به قلم سان تزو (Sun Tzu) در حدود پنجمصد سال قبل از میلاد نوشته شده است قدیمی ترین دستور العمل جنگ در جهان محسوب می شود، مفاهیم این کتاب هنوز قابل توجه است، زیرا به اصول و مبانی پرداخته است.

در دوره تمدن یونان که بعد از مصر و چین درخشیدن گرفت، اصول دقیق تروجود داشته است، آنان در کارهای سخت و یکنواخت از آلات موسیقی کمک میگرفته اند، همچنین برای هر کاری آهنگی خاصی می نواختند و زمان سنجی و کنترل زمان راموسیقی انجام می داده است در بحث تخصص و تقسیم کار، شاید افلاطون در کتاب «جمهوریت» بهترین توجهی نظری را ارائه داده باشد.

کدام بهتر است، تجارت چند کالا یا یک کالا؟ وقتی شخص یک کار را انجام میدهد، آسانتر بهتر و دقیق تری می تواند آنرا به انجام برساند،

شنسبانیه اصول و فنون مدیریت را برای خواننده گرامی پی میگیرد، در شماره قبلی خواندیم که مدیریت ذاتی است یا اکتسابی؟ واز آن چیز های آموختیم، اما کنون با پویش دیگر سازمان و یا مدیریت سازمانی را در آسیا به مطالعه می نشینیم، بعضی ها فکر می کنند هر آنچه ما امروز در زندگی مان داریم مدیون و مرهون غرب است، سازمان، مدیریت، رهبری و فرهنگ همه از غرب به کشور های شرقی سرازیر شده است، نخیر اینطور نبوده بلکه قاره آسیا کهن ترین کشور ها را در خود دارد که از قدیم الایام از سازمان و مدیریتی منظمی برخوردار بوده است.

بر اساس مدارک مشخص مربوط به دوره سومری هادرنهزار سال قبل، شواهدی مبنی بر وجود یک سیستم کنترل در مدیریت وجود داشته است، موضوع بدین صورت بوده است که رهبران مذهبی با برقراری نظام مالیاتی سنگین، سرمایه هنگفتی جمع آوری میکردند، آنان به منظور حفظ این سرمایه، حساب و کتاب مشخص داشته اند و در واقع نوع سازمان مذهبی - تجاری بوجود آورده اند که معاملات تجاری میکردند است، همچنین قرضه های را تادیه نموده، برای ضبط و ثبت آن نظام منظمی وجود داشته است، تمام این مدارک بر وجود یک سیستم کنترل از طرف مدیریت دلالت می کند.

در ساختمان اهرام مصر شواهد کافی برای وجود امکانات سازمانی در عصر باستان فراهم آورده است، برای نمونه یکی از اهرام به نام چیئوپس (Cheops) در سیزده جریب، با دو میلیون و سیصد هزار قطعه سنگ بنا شده که میانگین وزن هر قطعه دوونیم تن بوده است، این ساختمان به احتمال زیاد، نتیجه کار صد هزار کارگر به مدت بیست سال بوده است.





غوری اندیشمندان یاد یکی از

مرحومه شریفه فرزند جگرن حاجی محمود خان غوری در سال ۱۳۴۴ هجری قمری در ولایت هرات در یک خانواده روشن و اهل علم و ادب چشم به جهان هستی گذاشت، تحصیلات ابتدای و ثانوی خویش را در لیسه مهری هروی به پایان رسانید، در سال ۱۳۶۲ هجری قمری با محترم سید معروف الطاف شخصیت دانشمند و معزز قدم به سوی زندگی مشترک نهاد که حاصل این ازدواج ۴ فرزند پسر و ۱ دختر میباشد.

مرحومه در ریاست مخابرات ولایت هرات در پست های مختلفی ایفای وظیفه نمود ولی از آنجاییکه شوق فراوانی در آموزگاری داشت در سال ۱۳۸۱ هجری شمسی شغل مقدس معلمی را در لیسه حضرت عمر فاروق (رض) شروع کرده و در خدمت اولاد این وطن اندوخته های خویش را قرار داد و بعد از مدتی چند نظر به صداقت و لیاقتش از طریق معارف به حیث مدیره این لیسه مقرر شد و که متأسفانه اجل مهلتش نداده در سال ۱۳۹۰ به مریضی سرطان مبتلا گردید، فامیل و فرزندانش لحظه ی از تداوی اش در داخل و خارج کشور دریغ نوزید بلاخره در بامداد سه شنبه مورخ ۱۲ حوت ۱۳۹۳ در ولایت هرات به عمر ۴۹ سالگی با عزیزانش برای همیشه بدرود حیات گفت، روحش شاد و خاطره اش جاودان .

SHANSABANEYA



Email: hazinyar.gjcf@gmail.com

Mobail: 0799237579

